

26 words per day

Day 37

Word	Meaning
A void	دوری کردن، اجتناب کردن
B unch	خوشه، گروه، دسته کردن
C onvince	متقاعد کردن، قانع کردن
D rum	طبل، طبل زدن، ظرف استوانه‌ای
E xpression	بیان، عبارت، ابراز، تجلی، سیما
F urther	بیشتر، بعدی، جلوتر، پیش بردن
G row up	بزرگ شدن، به سن بلوغ رسیدن
H ousehold	خانواده، صمیمی، اهل بیت، خانگی
I ron	آهن، اتو، اتو زدن، آهن پوش کردن
J	
K	
L ung	ریه، شش، جگر سفید
M om	مادر
N icely	مطلوب، ظریفانه، بادقت، مودبانه
O utline	تهیه کردن خلاصه، رئوس مطالب
P rinciple	اصل، قاعده، اصلی، اصل علمی
Q	
R ub	مالیدن، ساییدن، اصطکاک پیدا کردن
S ympathy	همدمی، همدردی، دلسوزی، رقت
T win	دوقلو، زوج، توام، همزاد، جفت
U pstairs	بالاخانه، ساختمان فوقانی
V ocabulary	واژگان، لغت، فرهنگ لغات
W hole	تمام، درست، دست نخورده، کامل
X	
Y	
Z	